

توقع از آدم‌ها...

گاهی بی‌دلیل خودمان را آزار می‌دهیم. زندگی را همانند معادله‌ای ریاضی می‌بینیم که دو کفه آن باید مثل شاهین ترازو برابر باشد و میزان بایستد، ولی واقعیت غیر از این است.

شاید ایراد از ماست که توقعاتی عجیب و بیش از توان آدم‌ها داریم. تصور می‌کنیم که اطرافیان دور و نزدیک‌مان را می‌شناسیم و بر مبنای همان شناخت، از آنان انتظار رفتارهایی را داریم که در ذهن خود ساخته‌ایم. در عمل اما، تصورات ما به واقعیت نمی‌پیوندند و موجب دلخوری ما می‌شود. به عنوان مثال در زمان بروز مشکلات، انتظار همراهی و همدلی از برخی را داریم که متأسفانه عکس‌العمل آنان در حد همدردی در چند کلام و ابراز تاسفی ساده باقی می‌ماند. اینجاست که حس سرخوردگی به آدم دست می‌دهد و شروع می‌کنیم به چرتکه انداختن که برای هر کس در فلان زمان چه کاری کرده بودیم و اکنون او برای ما هیچ کاری نکرد!... و ترازوی حساب و کتاب ما میزان نمی‌ایستد.

شاید ما بی‌دلیل خود را آزار می‌دهیم، شاید خودمان هم برای دیگران و در تصور آنان وقتی نیاز داشتند، همین رفتار را داشته‌ایم و مطابق با انتظارات آنان عمل نکرده‌ایم. واقعیت را بپذیریم، این ذات اکثر آدم‌هاست که تا مشکلی نیست، دوستان و همراهان خوبی هستند، اما در بروز مشکلات، خودشان آن قدر گرفتاری دارند که خیلی نمی‌توان از آنان انتظاری داشت. قبول بکنیم یا نه، حتماً کسانی هم هستند که در مواردی همین حس را نسبت به ما داشته‌اند، منتها ما اصلاً متوجه انتظار آنان نشده‌ایم. اگر هم می‌شدیم لابد پیش خودمان می‌گفتیم: چقدر بی‌ملاحظه!

در واقع بهترین کار آن است که انتظار و توقع را از دیگران کم کنیم و در قبال کار یا خدمتی که احیاناً و به خیال خود برایشان کرده‌ایم حسابی باز نکنیم. این‌گونه ناراحتی و دلخوری آدم کمتر می‌شود و زندگی راحت‌تر خواهد بود. اگر توانستیم به این درک برسیم و آن را عملی کنیم بی‌تردید راحت‌تر زندگی می‌کنیم و سطح توقع‌مان را از دیگران پائین می‌آوریم. حتی دوستی‌های ما نیز دچار خلل نمی‌شود و پایدارتر باقی می‌ماند چون می‌دانیم که نباید از دیگران انتظار زیادی داشت.

بگذریم...

قصه امروز با قراردادن افراد در موقعیت‌های سخت که ممکن است برای هر کسی پیش بیاید، روابط میان شخصیت‌ها را بررسی کرده است. کسانی که از آنان انتظار داریم و آنانی که اصلاً انتظاری از ایشان نداشته‌ایم. در این زمان‌هاست که مشخص می‌گردد چه کسی و تا چه حدی قابل اتکا کردن است و چگونه گاهی در مورد هر دو گروه دچار شگفتی می‌شویم!

به هر حال داستان حاضر با جذابیت‌های لازم در یک رمان، مخاطب شادان و خوانندگان آثار قبلی نویسنده را جذب و راضی خواهد کرد. همراه شوید با نویسنده‌اش تا روایتی دیگر.

بهمن رحیمی

آذر ماه ۱۳۹۶ – تهران